



اگر به دنبال گرفتن نماز و روزه استیجاری هستید این مطلب را نخوانید

اگر برای تامین معيشت خود، گذران زندگی، پرداخت اقساط عقب افتاده و بسیاری از نیازهای مالی خود به دنبال انجام عبادات استیجاری هستید باید بگوییم سخت در استیهاید. چرا که به جای درمان درد خود به دنبال مسکن موقتی هستید که تنها درد شما را تسکین می‌دهد و پروسه درمان شما را عقب می‌اندازد. وقتی اثر مسکن از بین می‌رود دوباره مجبورید از این مسکن موقت استفاده کنید و همچنان درد را به جای درمان، تسکین دهید. این اتفاق آنقدر تکرار می‌شود تا زمانی که امکان درمان درد از بین می‌رود و بدنتان قدرت مبارزه با بیماری را از دست می‌دهد. درست مثل کسی که به مواد مخدر اعتیاد پیدا کرده و بدن او نمی‌تواند جایگزین لازم را تولید کند و به مرحله اجبار مصرف می‌رسد.

اگر امروز به جای آموختن روش‌های تامین معيشت خود با یک اقدام مثبت و ارزشمند طلبگی و توانمند ساختن خود در عرصه‌های ارائه خدمات دینی به جامعه و دریافت ما بازاء آن از مردم، سراغ پول‌هایی رفتید که نیاز به فکر و تولید ندارد، بدانید که در حال از بین بردن شانس موفقیت خود در آینده هستید و با تامین نیازهای فعلی خود با راه حلی کوتاه مدت و عقب انداختن یادگیری یک مهارت لازم برای تولید یک خدمت و محصول دینی مورد نیاز جامعه فرایند توفیق خود در مسیر طلبگی را متوقف و یا اقلال کند کرده‌اید. مانند تشهیه ای که تشنگی اش را با آب شور علاج می‌کند.

سوال مهمی که باید از طلاب محترمی که برای تامین معيشت خود به خواندن نماز استیجاری روی می‌آورند پرسید، این است که آیا برای کار کشیدن از جسم خود در انجام عبادات استیجاری، به این همه سال درس خواندن و تلاش در راه شناخت دین نیاز داشتید. آیا نتیجه این تلاش وافر و مستمر در طی سالیان دراز برای یادگیری فقه و اصول که پایه‌های دین شناسی و مقدمه آموزش دین به جامعه است، این است که ما تنها به خواندن نماز قضای ایشان که به هر دلیلی نتوانسته اند خودشان انجام دهنند اکتفا کنیم؛ آن هم به این دلیل که آن‌ها می‌توانند با پولشان افرادی را استخدام کنند که بهشت را برایشان در دنیا دیگر بخوردند و یا از شعله‌های سوزان جهنم نجاتشان دهند.

به عقیده نگارنده دلیل اینکه برخی طلاب این راه را برای تامین معيشت خود یا حتی بخشی از آن انتخاب می‌کنند، از دو حال خارج نیست:

1. یا اطلاع ندارند و کسی به ایشان نیاموخته است که چطور می‌توان از دانش طلبگی، زندگی و معيشت خود را اداره و تامین کنند. که البته تا حدود زیادی حق با ایشان است و کسی در حوزه‌های علمیه و در کنار آموختن علوم حوزوی به

طلب نیاموخته است که چگونه می توان با ایجاد ارزش‌های دینی و تبدیل آن به خدمات و محصولات دینی و توزیع صحیح این خدمات در میان متدینینی که قدردان خدمات طلب هستند، رسالت خود را به انجام برسانند و معیشت خود را تامین کنند. یک نمونه بسیار رایج و مرسوم، تولید محتوا مورد نیاز جامعه و متناسب با نیازهای روز آن هاست. مانند آنچه که آیت الله مکارم شیرازی در سنین جوانی و قبل از ایام اجتهاد و مرجعیت خود دست به تولید آن زد و با فروش آن به مردم، به قول خود ایشان زندگی خود را از این راه و نه از دریافت وجوهات تامین کردند. تفسیر نمونه یکی از این تولیدات است که هم متناسب با نیاز روز جامعه و زبان قابل فهم مردم است و هم تولید آن منافاتی با تلاش ایشان در راه اجتهاد و رسیدن به **غایت طلبگی** نداشته است.

2. یا راهی را آسان تر از این راه و پولی را نقدتر و دم دستی تر و سهل الوصول تر از آن نیافته اند، که اگر این چنین باشد باید به حال خود افسوس بخورند و زخم خود را همچنان کهنه و غیر قابل درمان کنند. که لاجرم درد تنبلی را دولی غیر از سوزاندن نباشد.

برخی نیز توجیهاتی برای اقدام خود می آورند که پس تکلیف عبادات قضا شده مردم چه می شود که چشم امیدشان به امثال ماست. جواب آن ساده و نقضی است که اگر خیلی به فکر عباداتی که مومنین در حیات خود قضا کرده اند و به اموات پیوسته اند، می توانند تبرعا و به خاطر رسیدن به ثواب اخروی آن، این عبادات را انجام دهید.

حاصل اینکه گرچه این قلم درک می کند که یک طلبه با وجود دریافت شهریه ای ناچیز در وضعیت کنونی اقتصادی کشور و هزینه های بالای زندگی، در کوتاه مدت چاره ای جز تن دادن به اینگونه امور ندارد، اما می توان با یک برنامه ریزی پیشگیرانه در ایام ابتدایی طلبگی، و گام برداشتن به سوی افزایش توانمندی ها و مهارت های فردی در راستای تولید و خلق ارزش های طلبگی برای ارائه به جامعه، علاوه بر تحقق رسالت ها و **وظایف طلبگی** خود، هزینه های زندگی خود را نیز تامین کنیم.